

بسم الله الرحمن الرحيم

مردواره شدن زنان در فمینیسم لیبرال؛ نقد و بررسی با رویکرد اسلامی

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی پدیده مردواره شدن زنان و گرایش آن‌ها به صفات، کردار و نقش‌های مردانه، در چارچوب نظریات فمینیسم لیبرال با رویکرد اسلامی می‌پردازد. هدف اصلی، تبیین علل و پیامدهای این روند و ارائه راهکارهای مقابله با آن در پرتو آموزه‌های دینی و فرهنگی است. روش تحقیق بر اساس تحلیل متون معتبر و مقایسه رویکردهای متفاوت در حوزه فمینیسم و اسلام شکل گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در نظریات فمینیسم لیبرال، تأکید بر فردگرایی، برابری کامل و حذف تفاوت‌های جنسی، باعث سوق یافتن زنان به سمت تقلید از صفات و نقش‌های مردانه شده است. این روند، در نهایت هویت و ارزش‌های فرهنگی و دینی زنان را تضعیف می‌کند و در مواردی، منجر به مردواره شدن زنان می‌شود. در مقابل، رویکرد اسلامی بر حفظ تفاوت‌های فطری و احترام به جایگاه و هویت مستقل زنان تأکید دارد و مخالفت قاطع با گرایش‌های مردوارانه می‌ورزد؛ بنابراین، ترویج ارزش‌های قرآنی و فرهنگی، همراه با آموزش‌های اخلاقی و معنوی، می‌تواند نقش مهمی در کاهش این روند ایفا کند و تعادل میان نقش‌ها و حقوق زنان را برقرار سازد. در نهایت، شناخت و تبیین اصول و ارزش‌های اسلامی در تربیت و فرهنگ‌سازی، کلید مقابله مؤثر با این چالش است و بهره‌گیری از هویت دینی زنان، بهترین راه برای حفظ جایگاه واقعی آنان در جامعه است. این مطالعه با روش انتقادی-تحلیلی با تأکید بر اهمیت گسترش فرهنگ دینی، در راستای توجه به نقش‌ها و وظایف اصلی زنان، پیشنهاد می‌کند: تقویت هویت اسلامی در زنان، راهکار اصلی در برابر روند مردواره شدن آنان است.

کلیدواژه‌ها: مردوارگی، فمینیسم، فمینیسم رادیکال، فمینیسم لیبرال، نقش‌های جنسیتی، هویت زنان.

در دنیای امروز، تحولات اجتماعی، فرهنگی و فکری با سرعتی ویژه در حال وقوع است و این تغییرات تأثیرات عمیقی بر مفهوم هویت و نقش زنان در جامعه داشته است. یکی از موضوعات چالش برانگیز در این باره، روند گرایش زنان به مردوار شدن است؛ روندی که در قالب نظریه‌های فمینیسم لیبرال، بر محور برابری کامل، کنار گذاشتن تفاوت‌های فطری و تقلید از صفات مردانه شکل می‌گیرد و تلاش می‌کند نقش و هویت زن را در مسیر همسان‌سازی با مردان و در ادامه، حذف تفاوت‌های طبیعی و تربیتی، تغییر دهد. این رویکرد، در حالی مسیر تغییر نقشی بزرگ را در قالب‌های فکری و فرهنگی طی می‌کند، که از منظر دینی، به‌ویژه اسلام، پیامدهای بی‌شماری برای ساختار خانواده، جامعه و هویت فردی و جمعی زنان دارد.

بر مبنای تعالیم قرآنی و روایات، نقش و جایگاه زن بر پایه اصل تفاوت فطری، تعادل طبیعی و احترام متقابل استوار است. در این دیدگاه، تساوی کامل، بدون توجه به تفاوت‌های فطری، نه تنها منجر به تضعیف ارزش‌های دینی و فرهنگی می‌شود، بلکه می‌تواند آسیب‌هایی جدی به ساختار خانواده و نظام اجتماعی وارد سازد. این گرایش به زنان امکان می‌دهد تا فراتر از نقش‌های سنتی خود حرکت کنند و در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موثر واقع شوند. هرچند ورود زنان به این فضاها می‌تواند با چالش‌های جدی همچون تضاد هویتی و انتظارات اجتماعی مواجه شود. به‌همین دلیل، بررسی این موضوع از زوایای مختلف، به‌ویژه از دیدگاه فمینیسم لیبرال و آموزه‌های اسلامی، ضروری به‌نظر می‌رسد.

با وجود انجام تحقیقات متعدد در زمینه فمینیسم در قالب‌های متعدد چاپی و غیر آن، اما بر اساس جستجوهای نگارنده، نگاشته مستقلی مردواره شدن زنان را در یکی از گونه‌های فمینیسم آن هم با رویکرد اسلامی واکاوی نکرده است؛ بنابراین، مقاله به تحلیل و بررسی گرایش زنان به صفات مردانه از منظر فمینیسم لیبرال و اسلام می‌پردازد. هدف واکاوی آسیب‌ها و پیامدهای این روند از منظر مبانی اسلامی است. برای این منظور، ابتدا به علل و دلایل پیدایش و گسترش این نظرات و رویکردها پرداخته، سپس با استناد به آموزه‌های قرآن و سنت، این روند و پیامدهای آن مورد نقد قرار می‌گیرد. در نهایت، بر اهمیت حفظ تعادل نقش‌ها و احترام تفاوت‌های فطری در تقویت هویت و کرامت زن تأکید می‌شود و راهکارهای اسلامی برای پاسداری از این ارزش‌ها ارائه می‌گردد. این پژوهش بر آن است تا بتواند راهنمایی باشد برای اندیشمندان، فعالان فرهنگی و حاکمیت‌ها در راستای ترویج نگرش‌هایی متعادل، انسانی و اسلامی در مواجهه با مسأله هویت زنان، و در مقابل، مقابله با روندهای مخرب و غرب‌زده که سلامت فرهنگی و هویتی جامعه را تهدید می‌کند.

ابتدا به منظور تسهیل و بهبود فرایند نگارش، به تبیین واژگان عنصری و بنیادی پرداخته می‌شود:

۱. مردواره شدن زنان

مردواره واژه‌ای است که از ترکیب دو واژه «مرد» و «واره» شکل گرفته است: مرد به معنای جنس مذکر، موجودی که به طور بیولوژیکی دارای ویژگی‌هایی است که معمولاً به مردان نسبت داده می‌شود (دهخدا، ج ۵: ۱۷۵۳). واره یا باره به معنای «تبدیل شدن به» و «روی آوردن به» است (معین، ج ۲: ۳۸۵). واژه «مردواره» به معنای تبدیل شدن به سمت ویژگی‌های مردانه و پذیرش رفتارهایی است که مرتبط با جنسیت مردانه تصور می‌شود. در اصطلاح به معنای تلاش زنان برای نزدیک شدن به ویژگی‌ها و رفتارهای مردانه، به منظور سازگاری با انتظارات اجتماعی و فرهنگی است. این فرآیند ممکن است منجر به نادیده گرفتن ویژگی‌های زنانه، عواطف و احساسات زنان شود. به طور کلی، مردواره شدن به عنوان نوعی انحراف از هویت و فطرت زنانه تلقی می‌شود. این مفهوم می‌تواند در بافت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی مطرح شود و اغلب به نابرابری‌های جنسیتی، فشارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی مربوط می‌شود. برخی از محققان و نویسندگان این پدیده را به بررسی هویت زنان در جوامع معاصر مربوط می‌دانند که برای دستیابی به موفقیت اجتماعی، مجبور به تقلید از ویژگی‌های مردانه هستند (رجبی، ۱۴۰۱: ۶۵-۵۰).

۲. فمینیسم

فمینیسم با اندکی تغییر در تلفظ، در زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به یک معنا به کار می‌رود و مأخوذ از ریشه **Feminine** معادل **Feminin** در فرانسوی و آلمانی است. این کلمه به معنای زن یا جنس مؤنث برگرفته از ریشه‌ی لاتین «**Femina**» است. واژه‌ی فمینیست نخستین بار در سال ۱۸۷۱ میلادی در یک متن پزشکی به زبان فرانسه برای تشریح گونه‌ای وقفه در رشد اندام‌ها و خصایص جنسی بیماران مردی، که تصور می‌شده است از خصوصیات زنانه یافتن تن خود رنج می‌برند، نوشته شده است. یک سال بعد یک نویسنده‌ی ضد فمینیست فرانسوی، این واژه را برای اشاره به زنانی که مردانه رفتار می‌کنند به کار

برد. گرچه در فرهنگ پزشکی، معنای فمینیسم، خصوصیات زنانه یافتن مردان بود، در اصطلاح سیاسی این واژه، ابتدا برای توضیح خصوصیات مردانه یافتن زنان به کار رفت. استفاده از این واژه تا دهه‌ی شصت و هفتاد میلادی، برای اشاره به تشکلهای زنانه مرسوم نبود و کاربردی محدود در ارتباط با مسائل خاص و گروه‌هایی خاص داشت. صرفاً در همین اواخر استفاده از آن، برای تمامی گروه‌های مرتبط با مسئله‌ی حقوق زنان، متداول و فراگیر شده است (روتلیج: ۵۴).

در اصطلاح فمینیسم را گاه به جنبش‌های سازمان یافته برای احقاق حقوق زنان و گاه به نظریه‌ای که به برابری زن و مرد از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی معتقد است، معنا کرده‌اند. این جنبش زدودن تمام تفاوت‌های بیولوژیک و تعریف انسان و هر مقوله‌ی فرهنگی و اجتماعی بر پایه جنسیت است (تقوی دهاقانی: ۳۵).

زمینه‌ها و عوامل پیدایش فمینیسم

مطالعه‌ی وضعیت زنان در تمدن‌های قدیم یونان و روم بیانگر این است که در ابتدا زن شیئی قابل تملک و بعداً عنصر توالد و ارضای شهوت بوده است و به هیچ وجه او را شریک زندگی مرد و واجد قوای بشری نمی‌دانسته‌اند (صدر: ۱۳۵). این وضع تا چندین قرن ادامه داشت تا این‌که ظهور مسیح و افکار مذهبی پیروان او و سپس ظهور پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به تدریج زنان را از شیئی قابل تملیک به انسانی دارای حق مالکیت و حقوق اجتماعی تبدیل کرد.

تأثیر دو انقلاب مهم یعنی انقلاب صنعتی اروپا و انقلاب کبیر فرانسه که از اهمیت و جایگاه بسیار بالایی برخوردار است در پیدایش گرایش‌های فمینیستی تأثیر بسزایی داشتند. در انقلاب صنعتی اروپا به تدریج بر اثر گسترش صنعت اختراعات و اکتشافات موج جدیدی از اقتصاد در غرب شکل گرفت که اساس آن را سرمایه‌داری جدید رقم می‌زد. تا قبل از این، مرد و زن همراه با یکدیگر در مزرعه و خانه فعالیت داشتند ولی با انقلاب صنعتی قلمرو عمومی مختص مردان و قلمرو خصوصی مختص زنان شد. این انقلاب کارخانه محور به دو چیز یعنی نیروی کار و مواد اولیه احتیاج دارد؛ لذا پس از دعوت مردان به بازار کار با کمبود نیرو مواجه شده و از زنان برای ورود به بازار کار و کارخانه دعوت به عمل آمد. زنان که به علت محدود شدن به قلمرو خصوصی و اختصاص یافتن پول به مردان رنج می‌بردند از این دعوت استقبال کردند، ولی از آنجایی که زنان به علت دارا نبودن حق مالکیت نمی‌توانستند دستمزد خود را خودشان دریافت کنند و نیز نوع شغل، نوع درآمد و نوع کسب و کار منوط به اجازه‌ی شوهر یا مرد خانواده بود، خروج آن‌ها از یک عرصه‌ی تنگ

و تاریخ به یک عرصه‌ی دیگری که به زعم آن‌ها عرصه‌ی اقتدار، ثروت و گشایش است، موانع جدی را به همراه داشت که به تدریج به سمت مبارزه با این موانع حرکت می‌داد. با پیروزی انقلاب کبیر فرانسه مجلسی برای تدوین قانون اساسی آن تشکیل شد. این مجلس در اولین مصوبه‌ی خود اعلامیه‌ای به نام حقوق بشر را به تصویب رساند که از جمله ویژگی‌های برجسته در این انقلاب حضور زنان علی‌رغم گذشته بود.

انواع جنبش‌های فمینیسم

در این بخش به اجمال به ذکر انواع جنبش‌های فمینیسم پرداخته می‌شود:

۱. فمینیسم لیبرال

بر اساس فمینیسم لیبرال، زنان تلاش می‌کنند با توسعه ویژگی‌هایی مانند «استقلال»، «شجاعت»، «قدرت» و «اعتمادبه‌نفس»، به هویت‌های شبیه مردان دست یابند تا بتوانند در برابر نابرابری‌های ساختاری مقاومت کنند و جایگاه برابری کسب نمایند. این گرایش، بر این باور است که ویژگی‌های مردانه، مانند خوداتکایی و قدرت، ابزارهای لازم برای کسب حقوق برابر هستند و زنان باید این صفات را در خود تقویت کنند تا بتوانند در عرصه‌های سیاست، اقتصاد و جامعه، موثر ظاهر شوند. در این دیدگاه، شبیه شدن به مردان نماد غلبه بر نقش‌های سنتی و اثبات برابری است. (جعفریان: ۴۰-۳۲)

۲. فمینیسم رادیکال

در فمینیسم رادیکال، زنان برای نشان دادن مخالفت قاطع با نظام‌های سرکوب‌گر و ساختارهای فرهنگی، غالباً صفات «مخالف»، «سخت‌گیر»، «تندخو» و «قدرتمند» را در خود تقویت می‌کنند. شبیه شدن به مردان در این گرایش، نماد برتری‌خواهی، مخالفت با نقش‌های سنتی، و تلاش برای جدا شدن کامل از نقش‌های زنانه قالب است. این فرآیند، نشان‌دهنده تأکید بر توانمندی‌های قوی، جسورانه و مستقل است که قرار است در مسیر شکستن زنجیره‌های فرهنگی، نقش فعال و قدرتمندی ایفا کند (رضایی‌نژاد: ۶۰-۵۸).

۳. فمینیسم مارکسیست

در این گرایش، زنان تمایل دارند تا به جای نقش‌های سنتی و محدود، در حوزه‌های اقتصادی، مدیریتی و سیاسی، همانند مردان، فعال باشند و از صفات «مقاومت»، «تصمیم‌گیری»، «پافشاری» و «قدرت‌طلبی» برخوردار شوند. این فرآیند، نماد تلاش زنان برای برابری در میدان مبارزه طبقاتی و اقتصادی است و نشان می‌دهد که برای ظهور به عنوان فعالان برابر، باید ویژگی‌های قدرتمند، مستقل و مستقل را در خود تقویت کنند (گودرزی: ۱۷۸-۱۷۰).

حمایت از مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان با ایجاد بستری برای حضور فعال زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و مدیریت جامعه، نه تنها به نفع زنان، بلکه به نفع کل جامعه خواهد بود. نیز توسعه فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی برای زنان نقش بسزایی در توانمندسازی آن‌ها دارد. این امر را می‌توان به شیوه‌های متعدد تحقق بخشید، از جمله:

فراهم کردن بستر شغلی

دولت و بخش خصوصی باید به ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان پردازند و به آن‌ها امکان تحقق نقش‌های چندگانه را بدهند.

تشویق به کارآفرینی

ارائه وام‌های کم بهره و مشاوره‌های رایگان به عنوان ابزارهایی برای تشویق زنان به کارآفرینی (زنان کارآفرین در کشورهای اسلامی، سازمان همکاری اسلامی، ۲۰۲۱).

۴. گفت‌وگو و تعامل میان فرهنگ‌ها

گفت‌وگوهای دو سویه بین زنان مسلمان و فعالان فمینیسم لیبرال می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ارتقای فهم متقابل کمک کند. گفتگو در قالب‌های گوناگونی چون:

ایجاد فضاهای گفت‌وگو

برگزاری کنفرانس‌ها و سمینارهای بین فرهنگی برای تبادل نظر و تجارب میان زنان مسلمان و فمینیست‌ها. تعامل دو سویه

فرهنگ‌سازی برای ایجاد فضایی که هر دو طرف بتوانند به نظرات یکدیگر گوش دهند و از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند (گفت‌وگوهای فرهنگی: راهکارهایی برای تعامل موثر، مرکز مطالعات فرهنگ و تمدن اسلامی، ۲۰۲۳)

۵. توسعه برنامه‌های حمایتی

تقویت زیرساخت‌های قانونی با اصلاح و تصویب قوانینی که به حمایت از حقوق زنان و ترویج برابری جنسیتی می‌پردازند و در عین حال فرهنگ احترامی را در میان مردان و زنان نهادینه کنند می‌تواند به زنان در بهبود شرایط زندگی و فعالیت‌های اجتماعی کمک کند، ضروری است، همچون:

ایجاد مراکز مشاوره

تأسیس مراکز مشاوره برای زنان در زمینه‌های مختلف به عنوان ابزاری برای توانمندسازی آن‌ها.

برنامه‌های حمایتی برای مادران شاغل

فراهم کردن حقوق و مزایای ویژه برای مادران شاغل و نیز توسعه شبکه‌های حمایتی. (برنامه‌های حمایتی اجتماعی برای زنان، گزارش سازمان ملل متحد در زمینه توسعه اجتماعی، ۲۰۲۲)

۶. تحقیقات و مطالعات بیشتر

تحقیق و مطالعه به ما کمک می‌کند تا درکی عمیق‌تر از چالش‌ها و فرصت‌های موجود در راستای پیشرفت زنان در جوامع اسلامی به دست آوریم. تحقیقاتی در ابعاد مختلف با روندی هدفمند، با گام‌های:

انجام تحقیقات

انجام تحقیقات گسترده‌تر در زمینه تأثیر فمینیسم لیبرال بر زندگی زنان مسلمان و شناسایی مدل‌های موفق.

انتشار یافته‌ها

انتشار یافته‌های تحقیقاتی در مجلات معتبر و برگزاری کنفرانس‌ها برای تبادل تجربیات (تحقیقات زنان:

رویکردهای جدید و چالش‌های موجود، مجله پژوهش‌های اجتماعی، ۲۰۲۳)

با پذیرش و عملیاتی نمودن این راهکارها، می‌توانیم به سمت توسعه‌ای پایدار و عادلانه حرکت کنیم که نه تنها به نفع زنان بلکه به نفع کل جامعه خواهد بود. در نهایت، مسئولیت ما این است که فضایی بسازیم که هر زن با غرور و عزت، به عنوان یک عنصر حیاتی در ساختن آینده‌ای روشن و انسانی‌تر، شناخته شود و از هنجارهای منسوخ و محدودکننده آزاد گردد. با این دیدگاه، ما به سمت دنیای بهتری پیش می‌رویم؛ دنیایی که در آن زنان و مردان کنار یکدیگر، با قدرت و صداقت، به سمت پیشرفت حرکت می‌کنند.

نتیجه گیری

در این مقاله، با رویکردی انتقادی و تحلیلی، تبیین شد که پدیده «مردوار شدن زنان» در قالب اندیشه فمینیسم لیبرال، نه تنها با دیدگاه‌ها و ارزش‌های اسلامی، بلکه با اصول اخلاقی و فطری انسان‌مدارانه، در تعارض است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تلاش برای حذف یا تضعیف نقش‌های طبیعی و فطری زنان، می‌تواند منشاء آسیب‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی باشد و بر خلاف برنامه‌های الهی در نظم خلقت است. همچنین، بررسی متون دینی و نظریات اسلام، بر لزوم احترام به تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های خاص هر جنس تأکید می‌ورزد و بر این نکته تأکید دارد که عدالت در نگاه دینی، حقیقی و عادلانه است، زمانی که بر مبنای فهم صحیح از تفاوت‌ها و نقش‌های فطری باشد. در مقابل، رویکردهای نادرست در فمینیسم لیبرال، با ترویج همسان‌سازی کامل و بی‌تفاوت ساختن تفاوت‌های فطری، در مسیر تضعیف بنیان خانواده و ارزش‌های انسانی قرار می‌گیرند که این در نتیجه، منجر به تزلزل مبانی اخلاقی و اجتماعی می‌شود. نتیجه‌گیری از این مطالعه حاکی است که احترام به نقش‌های طبیعی و تفاوت‌های فطری، نه تنها عامل اصلاح ساختار خانواده و جامعه است، بلکه موجب تقویت و تحکیم بنیان‌های اخلاقی و انسانی می‌گردد. در نتیجه، ترویج فرهنگ گفتگو، احترام و حفظ هویت واقعی، باید محور سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی قرار گیرد تا جامعه‌ای سالم، عادل، و متعادل داشته باشیم.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده در زمینه مبانی فلسفی، اخلاقی و فرهنگی تفاوت‌های جنسیتی انجام شود تا راه‌های صحیح ترکیب ارزش‌های دینی و فرهنگی تبیین گردد. همچنین، تأکید بر ترویج فرهنگ احترام به تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های فطری انسان‌ها در بین جوانان و در مدارس می‌تواند در حفظ کرامت انسانی و تقویت اخلاق مؤثر باشد. همچنین، بر توسعه و ترویج فرهنگ احترام به تفاوت‌های طبیعی و نقش‌های فطری در بین نسل جوان و نهادهای آموزشی تأکید گردد تا بتوان در مسیر حاکمیت اخلاق و کرامت انسانی گام برداشت.

منابع و مأخذ

*قرآن کریم

۱. تقوی دهقانی، ح. (۱۳۸۱). آسیب شناسی دینی فمینیسم. تهران. مؤسسه فرهنگی منهج
۲. جعفریان، عباسعلی. (۱۳۹۵). فمینیسم در ایران. تهران. سمت
۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰). فقه و حقوق اسلام. قم. دفتر انتشارات اسلامی
۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۳۵ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت. دارالتأصیل
۵. داوودنیا، فریبا. (۱۳۹۸). فمینیسم پست مدرن و نقد آن. فصلنامه نقد و نظر، شماره ۱۴
۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. جلد ۵. تهران. امیرکبیر
۷. رجبی، سحر. (۱۴۰۱). تحلیل اجتماعی هویت زنان. مجله مطالعات فرهنگی، شماره ۲۵
۸. رحیمی، عباس و منیره جهان بخت. (۱۳۸۸). تاریخ حقوق زنان در جهان و ایران. تهران. نگاه
۹. رضایی نژاد، ناهید. (۱۳۷۸). مطالعات فمینیستی و نقد ساختارهای مردسالارانه. تهران. رخداد
۱۰. رمزیپیشه، زهرا. (۱۳۸۵). تاریخ حرکت زنان در جهان. مشهد. دانشگاه امام رضا (علیه السلام)
۱۱. رمضان، زهره. (۱۳۹۵). تاثیر جنبش های فمینیستی بر هویت زنان در جامعه مدرن، در مطالعات فرهنگی و جامعه شناسی زنان. تهران. انتشارات دانشگاه تهران
۱۲. روتلیج. (۱۳۸۸). فمینیسم و دانش های فمینیستی، مترجمان: عباس یزدانی، بهروز جندقی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان استان قم
۱۳. سیستانی، سید علی. (۱۳۸۴). بیانیه های اسلامی درباره خانواده و حقوق بشر. نجف آباد. موسسه فرهنگی حضرت حجت
۱۴. سیف، س. (۱۳۹۵). زنان و حقوق انسان در اسلام. قم. الهدی.
۱۵. صدر، حسن. (۱۳۴۸). حقوق زن در اسلام و اروپا. تهران. کتاب های پرستو
۱۶. گودرزی، مرتضی. (۱۳۹۲). نقد فمینیسم مارکسیستی. تهران. سمت
۱۷. محمدی، علی اصغر. (۱۳۹۲). زن در اسلام: بررسی قرآن، سنت و فقه. قم. دارالحديث
۱۸. معین، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ معین. تهران. امیرکبیر
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۶). حکمت و اخلاق اسلامی. قم. اسرا
۲۰. _____ (۱۳۷۶). فلسفه حقوق در اسلام. قم. اسرا

۲۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). نظام حقوق زن در اسلام. تهران. صدرا.
۲۲. نسائی، احمد بن علی. (۱۴۳۷ق). سنن النسائی. دمشق. دار ابن کثیر
۲۳. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. جلد ۱۵. محقق/مصحح، مؤسسه آل البيت عليهم السلام. قم. مؤسسه آل البيت عليهم السلام
۲۴. یاسایی، فریده. (۱۳۹۰). فمینیسم و حقوق زنان در جهان. تهران. سمت